

امام جوادع باب المراد در رسیدن به حاجات و رفع مشکلات/حرز امام

حجت الاسلام عالی در مراسم عزاداری امام جواد(ع) این امام را باب المراد دانست و گفت: مردم در مشکلات و گرفتاری ها به امام جواد(ع) متوسل شوند.

بسم رب المهدي(عج)

به گزارش پایگاه اینترنتی دست نوشته های معارفی امیرمحسن سلطان احمدی ([سلطان احمدی دات آی آر](#))؛ مراسم عزاداری شهادت امام جواد(علیه السلام) شب گذشته پنج شنبه ۱۰ مرداد ۱۳۹۸ در جوار "امامزاده ابوالحسن(ع) شهر" ری از نوادگان امام صادق(ع) با سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین «مسعود عالی» استاد و خطیب حوزوی برگزار شد.

در این مراسم که توفیق حضور نصیم شد، حجت الاسلام عالی نکاتی درباره توسل به امام جواد(ع) در گرفتاری ها و حاجات بیان نمودند و این امام را باب المراد دانستند و همچنین به حرز امام جواد(ع) نیز اشاره کردند که در ادامه گزیده ای از بیانات ایشان تقدیم شما معارف جویان عزیز می گردد.



گزیده ای از بیانات حجت الاسلام عالی در این مراسم به شرح زیر است:
خداوند، پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) به جوانان خیلی اعتماد می

کردند تا جایی که خداوند متعال سه امام شیعه را در دوران جوانی به منصب امامت انتخاب کردند. همچنین پیامبر(ص) در زمانی که امیرالمومنین(ع) نوجوانی ده ساله بود، ایشان را وصی خویش معرفی کردند. و امام جواد(ع) نیز اولین امام نوجوان ما است.

جذب جوانان / لزوم همراهی والدین با فرزندان جوان خویش

ائمه اطهار(ع) در برخورد با جوانان آنها را هرگز ترد نمی کردند بلکه تا می توانستند جوانان را جذب می نمودند. حتی اگر جوانی ظاهر مناسب و تیپ مذهبی هم نداشت، امامان او را جذب می کردند، در صورتی که امروزه ما اگر کسی تیپ او مذهبی نباشد و به ما نخورد اصلا با او حرف نمی زنیم در صورتی که امامان علاوه بر حرف زدن با آنها این قبیل جوانان را هم جذب می کردند.

پدر و مادرها باید دقت داشته باشند، امروز نسل جوانان با گذشته فرق می کنند و پدر و مادرها باید با فرزندان جوان خویش همراه و رفیق باشند و هرگز جلوی آنها نایستند که اگر بایستند، کسانی هستند که جلوی آنها نخواهند ایستاد و آن جوان را به خود جذب می کنند و زمینه انحراف او را فراهم خواهند کرد، که در این زمینه پدر و مادرها خیلی باید مراقب باشند.

ماجرای رابطه شاگرد امام صادق(ع) با لات های کوفه

مفضل بن عمر از شاگردان خوب امام صادق(ع) بود که ایشان در کوفه زندگی می کردند و امام نیز در مدینه زندگی می کردند. مفضل در کوفه با کبوتر بازها و جوانان لات هم رابطه داشت که این رابطه مفضل با این افراد باعث شده بود برخی از مقدسین کوفه خیلی ناراحت شوند. یک روز این مقدسین کوفه به مدینه رفتند و به محضر امام صادق(ع) مشرف شدند و این جریان را به امام گفتند.

امام صادق(ع) نیز یک نامه به مفضل نوشت و گفت وقتی به کوفه رسیدید این نامه را به وی بدهید. مقدسین هم فکر کردند که امام با مفضل برخورد نموده است راهی کوفه شدند و نامه را به مفضل دادند. وقتی مفضل نامه را در مقابل آن مقدسین باز کرد، گفت: امام در این نامه فرموده اند که نیاز به کمک مالی است که باید جهت انجام کاری مبلغی پول بدهند. مقدسین وقتی از محتوای نامه مطلع شدند، هر کدام به یکدیگر نگاه کردند و بهانه ای آوردند و از دادن پول که آن هم

دستور امام بود، خودداری کردند.

اما در بیرون همین لات ها و کیوتربازها از محتوای نامه با خبر شدند و بدون هیچ عذر و بهانه ای رفتند سریع آن مبلغ مورد نظر را تهیه کردند و آوردند. بعد مفضل رو به مقدسین نمود و گفت: شما می خواهید من چنین جوانانی را از خود دور کنم، در صورتی که شما مغرور به نماز خواندن خویش شده اید!



مرحوم سید مهدی قوام؛ قهرمان جذب جوانان

مرحوم سید مهدی قوام از منبری های دهه ۴۰ تهران بود که وی قهرمان جذب جوانان و حتی لات های تهران بود. وی غریب الاجتهاد بود ما با مردم قاطی و صمیمی بود. نقل است در مراسم تشیع جنازه وی که در قم برگزار شد، عده زیادی از لات های قدیم آن هم با دستمال یزدی در تشیع وی حضور داشتند، حتی برخی زنان فاحشه که توسط وی هدایت شده بودند، نیز آمده بودند.

در یکی از مجالس ختم ایشان یک آقای بسیار گریه و زاری می کرد، از او پرسیدند مگر با سید مهدی نسبت فامیلی داری که چنین گریه می کنی؟ آن فرد گفته بود خیر اما سید مهدی قوام دست مرا گرفت و از جهنم مرا به بهشت آورد، در صورتی که من دزد بودم و یک شب برای دزدی به منزل سید مهدی رفتم و متوجه نبودم که وی در اتاقی دیگر خواب است، داشتم فرش را جمع می کردم که از اتاق بغل صدایی شنیدم

که گفت یک لنگه دیگر این فرش اینجا است بیا این را هم جمع کن و ببر که دو لنگه را با هم بهتر می خرنند! بعد گفت برو بازار نزد فلان کس و بگو مرا سید مهدی فرستاده تا این دو لنگه فرش را از تو خوب بخرند! بعد هم یک چرخ دستی تهیه کن و هر روز میوه بخر و بفروش و آخر شب هر چه از میوه هایت را نخریدند همه را بیاور من از تو می خرم! و این کار سید مهدی باعث شد من از دزدی دست بکشم و هدایت شوم.



امام جواد(ع)؛ باب المراد

امام جواد(ع) معروف به باب المراد بودند و خیلی حاجت می دادند. متأسفانه در دوران امام کاظم(ع) که حضرت زندان بودند، بعضی از شاگردان وجوهاتی نزدشان بود و مبلغی جمع شده بود که حضرت نیز در زندان و سپس به شهادت رسیدند، اما این افراد این وجوهات را به امام رضا(ع) تحویل ندادند و حتی منکر امام رضا(ع) هم شدند و فرقه هفت امامی و واقفیه شکل گرفت.

بعد هم امام رضا(ع) فرزند پسری نداشتند و شبهات زیادتر شد تا اینکه امام جواد(ع) متولد شد، از این رو برای اینکه پاسخ این شبهات داده شود و امامت امام هشتم نیز تایید گردد، خداوند کرامات زیادی از جمله برآورده شدن حاجات را به امام جواد(ع) عنایت نمود به نحوی که هر کس هر حاجت و خواسته ای داشت با توسل به امام جواد(ع) برآورده می شد و اکنون نیز چنین است و این امام باب المراد هستند.

توسل به باب المراد امام جواد(ع) برای حاجات و رفع هر مشکلی

امام رضا(ع) شنیدند که خادم ها امام جواد(ع) را به علت ازدیاد جمعیت از درب پشت می برند و امام رضا(ع) به حضرت جواد(ع) فرمودند به حقی که من به گردنت دارم، از باب الکبیر وارد شو و هر کس از شیعیان حاجت و خواسته ای دارند را به آنها بده. این هم اکنون نیز برقرار است و برای همین است که برای حاجات دنیایی، باز شدن گره های زندگی، ازدواج، بچه دار شدن و ... گفتند به امام جواد(ع) متوسل شوید، چون ایشان از این نظر مجرب هستند و تجربه هم شده است که اگر کسی نذری و توسلی در این زمینه به حضرت نماید، حاجتش برآورده خواهد شد.

در مفاتیح دو دعای توسل است که یکی معروف و دیگری غیر معروف است که در آنجا دارد برای چه حاجتی نزد چه امامی بروید. که درباره امام جواد(ع) آمده که برای حاجات دنیوی و گشایش رزق و باز شدن گره ها و مشکلات نزد امام جواد(ع) بروید و متوسل شوید. که در این فراز از این دعا در توسل به باب المراد امام جواد(ع) می خوانیم:

«اللَّهُمَّ - اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ - وَلِیِّكَ مُحَمَّدٍ - بِنِ عَلَیٍّ - عَلَیْهِ السَّلَامُ - اِلَّا جُدَّتْ بِهٖ عَلَیٌّ - مِنْ فَضْلِكَ ، وَتَفَضَّلْتَ بِهٖ عَلَیٌّ - مِنْ وُسْعِكَ ، وَوَسَّعْتَ عَلَیٌّ - رِزْقَكَ ، وَاعْزَيْتَنِي عَمَّنْ سِوَاكَ ، وَجَعَلْتَ حَاجَتِي اِلَيْكَ ، وَقَضَاها عَلَیْكَ ، اِنَّكَ لِمَا تَشَاءُ قَدِيرٌ» ، یعنی: خدایا! از تو درخواست می کنم به حق ولیت محمد بن علی (درود خدا بر او) که بر من از فضلت ببخشی، و از فراخی عنایتت تفضل فرمایی، و بر من فراوان سازی روزی ات را و از غیر خودت مرا بی نیاز گردانی، و حاجتم را در بارگاه خود قرار دهی، و برآوردنش را به عهده خود گذاری، همانا تو بر آنچه بخواهی توانایی.

بنابراین نه تنها در مسائل دنیوی و مادی بلکه در هر مسئله و مشکلی و هر خواسته ای که داشتید متوسل به امام جواد(ع) شوید، مثلا علم می خواهید، یا نجات از بخل درخواست دارید، به امام جواد(ع) متوسل شوید.

حرز امام جواد(ع) معروف ترین حرز در بین ائمه(ع)

حرز به معنای دعایی است که اگر انسان آن را همراه داشته باشد وی را از هر خطری حفظ می کند و سحر و بلا را نیز دفع می نماید. در

بین ائمه(ع) حرز امام جواد(ع) از معروف ترین حرزها است، اما منظور از حرز امام جواد(ع) آن حرز کوتاهی که در مفاتیح آمده نیست، بلکه این حرز حدود یک صفحه است.

مرحوم آیت الله قاضی درباره این حرز فرمودند که طبق روایات باید این حرز با کاغذ و قلم تولید مسلمان نوشته شود و هیچ چیز آن از غیر مسلمان تهیه نشده باشد، چون اسماء خدا در آن است. و برخی بزرگان نیز فرمودند اگر کسی نتوانست آن را بنویسد، می تواند کپی آن را به همین نحو که کاغذ و جوهر و دیگر وسایل تهیه آن از مسلمان باشد، می تواند بدین نحو کپی بگیرد و از آن استفاده کند. بعد این حرز را باید بر بازوی دست راست ببندند و همیشه همراه خود داشته باشند.

شهادت امام جواد(ع) به دست همسرش ام الفضل خبیث

امام جواد(ع) ازدواج سیاسی با دختر مامون را قبول کرد تا از این طریق فشار از شیعیان کم شود و گرنه حضرت می دانست که ام الفضل زنی خبیث است و هیچ فرزندی هم امام از او نداشت و امام هادی(ع) از همسر دیگر امام سمانه مغربی است.

امام وقتی به دست همسرش ام الفضل مسموم شدند، ۲۵ سال سن مبارکشان بود و در آن لحظه به شدت تشنه بودند و درخواست آب نمودند و کسب به حضرت آب نداد و این زن خبیث به خادمان منزل گفت هلله و سر و صدا کنید که صدای امام به کسی نرسد و بدین نحو امام را به شهادت رساند.

بعد قصد داشتند که امام را مخفیانه دفن کنند که شیعیان از شهادت امام با خبر شدند و حدود ۱۲ هزار نفر از شیعیان جمع شدند که پیکر امام را تشیع کنند و وقتی پیکر امام را بیرون آوردند، شیعیان پیکر امام جواد(ع) را گل باران کردند ولی پیکر جد غریبش امام حسین(ع) را سنگ باران کردند و هر کس هر چه دستش بود بر پیکر امام حسین(ع) زد، به نحوی که وقتی خواهرش که از بچگی با هم بزرگ شده بودند، به گودال قتلگاه آمد، پیکر برادر را نشناخت.

پدیدآورنده:

به قلم: امیرمحسن سلطان احمدی

www.soltanahmadi.ir

*شناسه شبکه های اجتماعی: @soltanahmadi_ir | [تلگرام](#) | [اینستاگرام](#)
| [ایتا](#) | [سروش](#) | [بله](#) | [رویکا](#)